

تحلیل ویژگیهای جنگ اطلاعاتی - ارتباطی غرب بر علیه روسیه

در گفتمان آکادمیک ایدئولوژیهای روسی

DOR:20.1001.1.23225580.1399.10.1.4.5

نوع مقاله: پژوهشی

آرش بیداله‌خانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

چکیده

این مقاله بر مبنای روش واکاوی توصیفی و پژوهش‌انگاری تحلیلی روی جنبه‌های ارتباطی - اطلاعاتی تنش‌های ژئوپلیتیکی تمرکز کرده و به همین منظور مورد روسیه را در زمینه جنگ اطلاعاتی انتخاب می‌کند. سوال اساسی این مقاله این است که غرب چگونه و از طریق چه ابزارهایی روس‌هراسی را در گفتمان آکادمیک علوم اجتماعی روسی و غیر روسی گسترش داده است؟ بستر تحلیلی این مقاله نظریات برخی از ایدئولوگ‌ها و اندیشمندان روسی است و فرضیه اساسی این مقاله این است که غرب از طریق شش حوزه موضوعی - روایت محور توانسته است جنگ اطلاعاتی موفق‌تری را بر علیه روسیه مدیریت کند و از این طریق روس‌هراسی را در فضای آکادمیک گسترش دهد. هدف اساسی این مقاله تجزیه و تحلیل روایت‌ها و نزاع‌های اطلاعاتی و ایدئولوژیک غرب بر علیه روسیه در گفتمان آکادمیکی این کشور بر مبنای روایت‌های متضاد و پارادکس‌های ایدئولوژیکی - ژئوپلیتیکی است. بر همین اساس در گفتمان نخبگان و ایدئولوگ‌های روسی، روسیه در اکثر مواقع قربانی اصلی غرب در جنگ اطلاعاتی - رسانه‌ای بوده است و بر همین مبنای امروزه نیز روسیه سعی می‌کند تا با طراحی یک نگاه و روایت جدید ایدئولوژیک و گسترش نفوذ رسانه‌ای - اطلاعات محور در برابر ایالات متحده، به مقابله به مثل و موازنه با غرب پردازد، هر چند توان و ظرفیت روسیه در این زمینه در برابر غرب محدود بوده است.

واژه‌گان کلیدی: جنگ، اطلاعات، روسیه، آمریکا، ایدئولوژی، روایت.

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

نقش ارتباطات در روابط بین الملل، جغرافیای سیاسی و درگیری های نظامی در طول دهه های اخیر به دلیل پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات به طور قابل توجهی افزایش یافته است. امروزه هنر و علم شکل گیری و چگونگی تاثیر گذاری بر ادراک شهروندان به یک ابزار سیاسی مهم تبدیل شده است که توسط قدرتهای بزرگ برای پیگیری منافعشان استفاده می شود. مفاهیم و نظریه های مختلفی وجود دارند که سعی بر درک جنبه های مختلف نقش ارتباطات در روابط بین الملل مانند قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، بازاریابی سیاسی بین المللی و.. دارند. در منشور جنگ اطلاعاتی همانطور که از کلمه جنگ برداشت می شود، فعالیت های دانش محور و آموزنده^۱ (دارای اطلاعات مفید) به عنوان سلاحی برای اهداف سیاسی به کار برده می شوند. اهدافی که هزینه آن می تواند به قیمت منافع افراد، گروه های اجتماعی و ملت ها تمام شود. مبنای اصلی این رویکرد اهمیت درگیری در زمینه منافع ژئوپلیتیکی است، زیرا قدرتهای بزرگ برای غلبه بر رقبای خود از تمام ابزارهای ممکن و اقدامات لازم، استفاده می کنند. این مسئله در رابطه با ابر قدرتها به خصوص در رابطه با کشور روسیه بسیار کاربردی است، چرا که فهم امنیت محور روسیه از جنگ های اطلاعاتی و متعاقباً تغییرات ژئوپلیتیکی پس از فروپاشی شوروی، افزایش یافته است. استراتژیست بزرگ ایالات متحده ژیکو برژنسکی^۲، پیش بینی کرده بود که پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی، آمریکا به هژمون مسلط تبدیل می شود. به گفته او در آن زمان، بعد از فروپاشی نظام دو قطبی یک سیاه چاله بزرگ ایجاد می شود که این مسئله باعث می گردد که آمریکا صاحب سلطه بالقوه جهانی شود.

^۱ - Informative

^۲ - Zbigniew Brzezinski

امروزه بعد از گذشت چندین دهه، وضعیت شطرنج بزرگ (بازی بزرگ) که برژیسکی پیش بینی کرده بود، به تدریج در حال تغییر است و یکی از نشانه های آن تلاش روسیه برای افزایش ظرفیتهایش برای تعادل با غرب است. از جمله این ظرفیتهای تلاش روسیه برای پایایی و تعادل در جنگ اطلاعاتی با غرب است. بر همین اساس این مقاله با تشریح و مفهوم شناسی روایت ها و مولفه های اساسی جنگ اطلاعاتی غرب علیه روسیه در گفتمان آکادمیک نظریه پردازان روسیه، محورها و مبانی اصلی این مولفه ها و روایت ها را از دیدگاه نظریه پردازان روسی تشریح کرده و به محتوای آن را مورد بررسی قرار می دهد. تمرکز اصلی این مقاله، گسترش روسی بر مبنای یک جنگ اطلاعاتی گسترده در فضای آکادمیک و دانشگاهی است. بر همین مبنای، سوال اساسی این مقاله این است که غرب چگونه و از طریق چه ابزارهایی روسی را در گفتمان آکادمیک علوم اجتماعی روسی و غیر روسی گسترش داده است؟ در پاسخ به سوال، فرضیه اساسی این مقاله این است که غرب از طریق شش حوزه موضوعی - روایت محور توانسته است جنگ اطلاعاتی - رسانه ای موفقی را بر علیه روسیه مدیریت کند و از این طریق، روسی را در فضای آکادمیک گسترش دهد.

ویژگیهای موضوعی و روایت محور جنگ اطلاعاتی با تمرکز بر روسی هراسی

در سالهای گذشته، نگرانی های مقامات امنیتی غربی به خصوص کشورهای که با روسیه مرز مشترک دارند از جمله کشورهای بالتیک، در رابطه با گسترش فعالیتهای اطلاعاتی روسیه در این کشورها، افزایش یافته است. از دیدگاه کشورهای بالتیک، روسیه به عنوان یک متجاوز احتمالی و یکی از تهدیدات امنیتی بالقوه آنها است. هدف اساسی فعالیتهای جنگ اطلاعاتی روسیه به سمت غرب جهت گیری شده است، چرا که روسیه نیز

خودش را هدف اصلی جنگ اطلاعاتی غربی ها می داند. به عنوان مثال در دسامبر سال ۲۰۱۳ در رابطه با جنگ اطلاعاتی علیه روسیه بیشتر از ۷۰۰۰۰۰ پست در شبکه های اجتماعی گوگل، فیس بوک و توئیتر و بیش از ۴۰۰۰ ویدئو در یوتیوب ساخت شده بود. نخبگان روسیه خود را از جمله قربانیان همیشگی جنگهای اطلاعاتی با غرب می دانند و بر این امر اذعان می کنند که قربانی شدن در جنگ اطلاعاتی با غرب مستلزم ایجاد مرز ایدئولوژیک و روحی بین ما و آنها شده است و البته آنها این مسئله را مبتنی بر ضرورت انتقام نهایی می دانند. در این مقاله به ایده هایی توجه شده است که توسط مراکز و نخبگان دانشگاهی روسی طراحی شده اند. در رابطه با جنگ اطلاعاتی علیه روسیه آثار مختلفی وجود دارد که بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۶ منتشر شده اند. سرگئی رستورگوئو^۱ یکی از برجسته ترین تئوریسین های جنگ اطلاعاتی روسیه است. رستورگوئو با بکارگیری روشها و مدل های علوم ریاضی در فرآیندهای اجتماعی، تئوری جنگ اطلاعاتی خود را توسعه می دهد. وی بر این امر تاکید می کند که چگونه جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه و منافع ملی آن جهت گیری شده است. ایگور پانارین^۲ از جمله دیگر نویسندگانی است که طرفدار بارز ایده جنگ اطلاعاتی علیه روسیه است. وی نویسنده بیش از پانزده کتاب در مورد جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه است. از جمله کتابهای وی عبارتند از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی (۲۰۱۰) جنگ اطلاعاتی برای آینده روسیه (۲۰۰۸) جنگ اطلاعاتی و ژئوپلیتیک (۲۰۰۶). پانارین از جمله نظریه پردازانی است که در سال ۲۰۰۸، ایده تجزیه آمریکا را مطرح کرده بود که این مسئله بسیار مورد توجه رسانه های غربی قرار گرفت. (Berzina, 2018: 163) سرگئی تکاچنکو استاد علوم حقوقی از جمله دیگر نظریه پردازان جنگ

¹ -Sergey Rastorguyev

² - Igor Panarin

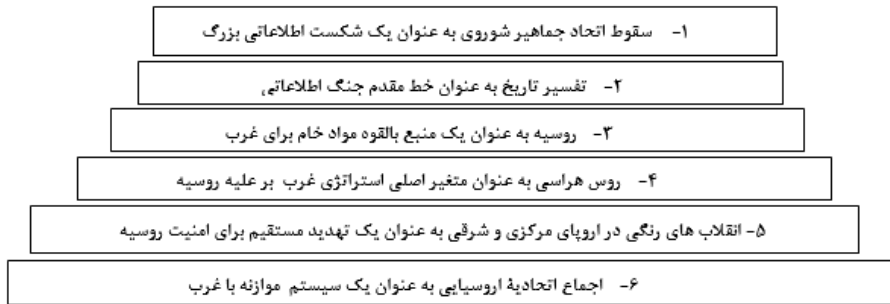
اطلاعاتی بر علیه روسیه است. وی نویسنده کتابهای مختلف از جمله فناوری های تخریب دولت روسیه؛ نظریه و عمل (۲۰۱۲) جنگ اطلاعاتی علیه روسیه (۲۰۱۱) و... است. آندره فارسو^۱، مورخ و جامع شناس روسی نیز از جمله دیگر محققانی است که در رابطه با تاریخ جامعه شناختی جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه به خصوص چالش سرمایه داری در روسیه تحقیقات مختلفی انجام داده است. وی از جمله اندیشمندانی است که در استفاده از وب سایت یوتیوب برای بیان دیدگاههای خود بسیار مشهور است و دیدگاههای جنجالی زیادی در رابطه با مسائل مختلف بیان می کند. علاوه بر این، اندیشه های ایدئولوژیست مشهور روسی الکساندر دوگین^۲ در رابطه با اوراسیا گرایی نیز یک مکمل مهم برای درک روایت جنگ اطلاعاتی علیه روسیه ست. با مرور نوشته های دانشگاهیان روسیه که در زمینه جنگ اطلاعات تخصص دارند، این مسئله به خوبی روشن می شود که روسیه استراتژی تهاجمی را در زمینه جنگ اطلاعاتی در حوزه سیاست خارجی و داخلی در پیش گرفته است و در این زمینه از ابزارهای مختلفی استفاده می کند. بر مبنای این جنگ اطلاعاتی، گرایشها و دیدگاههای روسیه در رابطه با فرآیندهای سیاست جهانی تا حدودی متفاوت از دیدگاههای جهانی - غربی ساخت بندی می شوند و شبکه های رسانه ای و خبر پراکنی روسیه نیز بر مبنای این ساخت بندی آنها را ترویج می کنند. مفهوم جنگ اطلاعاتی که در این مقاله استفاده می شود بر مبنای نظریه برتری اطلاعاتی در زمینه دستیابی به اهداف سیاسی، ساخت بندی می شود. (Barbashin and Graef, 2019) جنگ اطلاعاتی در روسیه یک هدف بالقوه برای دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی است. مسئله مورد بررسی در این پژوهش جنگ اطلاعاتی روسیه با غرب در محیطهای آکادمیک و علمی است. این

¹ - Andrei Fursov

² - Aleksandr Dugin

جنگ اطلاعاتی دارای یک روایت گسترده و متضاد است که توسط شش موضوع احاطه شده است. این شش موضوع حیطه اصلی جنگ اطلاعات محور آکادمیکی-سیاسی روسیه بر علیه غرب است. از دیدگاه روسها جنگ اطلاعاتی بر علیه غرب نوعی جنگ دفاعی است. چرا که غربی ها در این شش موضوع منافع محوری و ملی روسیه را مورد هدف قرار داده اند.

این شش موضوع را به صورت پیوسته در شکل زیر مشاهده می کنید.



پژوهش حاضر با تجزیه و تحلیل این شش موضوع، روند های اساسی حاکم بر دیدگاه نخبگان دانشگاهی روسیه را در رابطه با نقش این کشور در جنگ اطلاعاتی با غرب بررسی می کند. این شش موضوع، مولفه ها و محورهای اصلی حمله اطلاعاتی غرب به روسیه در زمینه جنگ اطلاعات است.

برساخت گرایی و مفهوم شناسی روایت محور جنگهای اطلاعاتی:

بدون مفهوم شناسی جنگ اطلاعات نمی توان به ادراک نظرات اکثر دانشمندان روسی در رابطه با جنگ اطلاعات علیه روسیه پی برد. بسیاری از نویسندگان به اهمیت حیاتی فرآیندهای اطلاع رسانی در رابطه با تحولات سیاست داخلی و بین المللی اذعان کرده اند. پانارین جنگ اطلاعاتی را ابزار اصلی و حالت غالب دستیابی به قدرت ذهنی، سیاسی و

اقتصادی در قرن بیست و یکم می داند. بر طبق نظریه وی، جنگ اطلاعاتی می تواند به عنوان یک سامان بندی و سازه بندی اطلاعات حیاتی جهانی و طراحی محیط روانی به نفع منافع کسانی که جنگ را شروع می کنند، تعریف شود. (Panarin, 2006: 6) دو سطح بندی بنیادین از جنگ اطلاعاتی وجود دارد. فنی و روانشناختی (Panarin and Panarina, 2003: 33). هدف اصلی جنگ اطلاعات در حوزه فنی سیستم های تکنولوژیک و پیشرفته مانند فن آوری های ارتباطی، رادیو، وسایل الکترونیکی، شبکه های رایانه ای - دیجیتال و... است. در مقابل مرکز ثقل جنگ اطلاعات در حوزه روانی، روح و ذهن نخبگان سیاسی جامعه هدف، سیستم های تصمیم گیری و اشکال متفاوت عقاید و آگاهی های عمومی است.

این رویکرد، دو گرایش مهم فضای سیاسی فعلی را تشریح می کند. نوع فنی جنگ های اطلاعاتی مربوط به حوزه سایبری است، اما جنگ روانی در ابعاد عاطفی و شناختی نگرش جامعه و افراد صورت می گیرد. بسیاری از ایده های روایت علمی " جنگ اطلاعاتی علیه روسیه " مربوط به جنگ اطلاعاتی در حوزه روانی می باشد. (Waltz, 1998: 34-35) عنصر اساسی در نظریه جنگ اطلاعاتی " سیستم یادگیری خودآموز و دریافت اطلاعات مفید " است که در صورت ورود اطلاعات جدید به آن می تواند تغییر محتوا دهد. طبق نظریه رستورگوئو از جمله نظریه پردازان روسی جنگ اطلاعات، هدف اصلی سیستمهای جنگ اطلاعات، موجودات انسانی، ملتها و دولت ها هستند. (Rastorguyev, 1999: 276) جنگ اطلاعات به عنوان یک ساخت محیطی اثر بخش باز و پنهان مبتنی بر اطلاعات مفید در نظر گرفته می شود که دولتها به صورت سیستمی از آن بر علیه یکدیگر استفاده می کنند تا بتوانند از مزایای مادی و محیطی آن بهره مند شوند. (Hoskins,

259, 2018) اطلاعات مفید در اینجا به معنای اطلاعات جذابی است که به صورت پیچیده ای به ملت هدف ارائه می شود تا زیر ساختهای روانی آنها را به بازی بگیرد. استفاده از سلاح حاوی اطلاعات به معنای ورود به سیستم خود آموز سودمند توده ها و نخبگان به روشی است که بر مبنای این روش یک نوع الگوریتم مولد روانی خاصی برای ادراک مردم بوجود می آید و بر مبنای این الگوریتم اطلاعات مختلف می تواند ذهن مردم را به بازی بگیرد. دلیل استفاده از سلاحهای اطلاعات محور، توانایی رو به رشد آنها در بازدهی مناسب و بازی با اذهان می باشد. (Blank, 2013: 37) بر همین مبنای، غالباً بازیابی سیستم اطلاعات دشمن می تواند موثرتر از تخریب آن باشد. سلاحهای دارای اطلاعات آموزند و جذاب، در درجه اول سیستم مدیریتی دشمن را هدف قرار می دهند تا از این طریق بتوانند ذهنیت و مکانیزم تصمیم گیری آنها را به سمت منافع خود بچرخانند. (Singer and Brooking, 2018: 15) سرگئی تکاچنگو^۱ جنبه های روانی و فرهنگی جنگ اطلاعاتی را برجسته می کند. وی به این امر اذعان می کند که در قرن بیستم و یکم شیوه های پیچیده ای از ترغیب جایگزین تبلیغات به عنوان ابزاری برای مدیریت توده ای می شود. بر همین اساس این شیوه های پیچیده به عنوان نوعی از هیپنوتیزم جمعی سعی می کند که با گذشتن از آگاهی جمعی بر روی روان افراد تاثیر بگذارد. تکاچنگو تاکید می کند که تمرکز جنگ اطلاعات در رابطه با ایجاد آسیب های فرهنگی سخت به یک ملت خاص از طریق نفوذ ارزشهای بیگانه در فرهنگ و ارتباطات بین گفتمانی آن ملت است. بر همین اساس وی جنگ اطلاعات را تهاجم ایده های خاصی می داند که هوشیاری جمعی و آگاهی فرهنگی یک ملت خاص را نابود می کند.

1 - Sergey Tkachenko

(Tkachenko, 2011: 9) اندیشه های تکاچنکو از نظر هدف فعالیت‌های آموزنده دشمن تقریباً مشابه تئوری جنگ اطلاعاتی رستورگوئو است. هر دو تئوری بر این امر تاکید می کنند که نتیجه جنگ اطلاعات، فعالیت ناخودآگاه مردم بر علیه منافع خودشان و کشورشان است. تکاچنکو همچنین تاکید می کند که جنگ اطلاعاتی نه تنها در سطح بین المللی بلکه در سیاست داخلی نیز رخ می دهد. مفهوم جنگ اطلاعات یکی از پارادایم‌های درک و تبیین سیاست معاصر بر مبنای ارتباطات دیجیتال است. بر همین اساس هدف جنگ اطلاعات محور، ارائه اطلاعات آموزنده (مبتنی بر دانش علمی) برای تاثیر گذاری بر روان مخاطبان است. این امر به خصوص در عصر ارتباطات دیجیتال ساده است. شما می توانید از طریق گفتار یا نوشتار یک استاد دانشگاهی غربی، اطلاعاتی را بیان کنید که به نظر علمی و آموزنده می رسد، اما در اصل هدف آن نفوذ به بنیانهای روانی افکار عمومی و ساختار ذهنی شهروندان کشور هدف می باشد. بر همین مبنا در جنگ اطلاعات، اطلاعاتی به صورت آموزنده و در قالب های مختلف دانش محور از طریق ابزارهای ارتباطی و شبکه های اجتماعی بیان می شوند. اطلاعاتی که می توانند حوزه واقعبیت و گفتمان مربوط به آن را تغییر دهند. (Armistead, 2007: 43) در جنگ اطلاعات محور، نظریه، ایدئولوژی و دکترین پشت اطلاعات به ظاهر علمی و آموزنده در مورد ساختار سیاسی و سیستم حکمرانی کشور هدف پنهان می شود و بر همین مبنا به راحتی می تواند اصول بنیادین خود را تبدیل به فرضیه ها و زمینه های موضوعی علمی کند و از طریق آن به اهداف و منافع کشور مقابل به راحتی ضربه بزند.

غرب از طریق سرمایه گذاری و پراکندن این شش حوزه موضوعی در حوزه ارتباطات رسانه ای و دانشگاهی توانسته است به راحتی در جنگ اطلاعاتی با روسیه تا حدودی موفق

باشد و آن را مدیریت کند. در ادامه ضمن توضیح این شش حوزه موضوعی در گفتمان اندیشمندان آکادمیک روسیه، مبانی اساسی سیستم جنگ اطلاعات محور غرب را بر علیه روسیه تشریح می‌کنیم. غرب از طریق گستراندن مکانیزم‌های علمی در دانشگاهها و رسانه های مختلف دنیا از جمله در درون خود روسیه و از طریق وارونه کردن این اصول، توانسته است به صورت موفقی به روسیه ضربه بزند.

۱- سقوط اتحاد جماهیر شوروی:

گفتمان آکادمیک جنگ اطلاعات علیه روسیه دارای تاریخ طولانی است و از دوران امپراطوری روسیه آغاز شده و در دوران جنگ سرد اوج گرفته است. یکی از ویژگیهای اصلی جنگ اطلاعاتی غرب بر علیه روسیه نشان دادن گفتمانی و ادراکی ابعاد مثبت سقوط اتحاد جماهیر شوروی است. غربی ها با جنگ اطلاعاتی، رسانه ای (نرم) و همراهی قدرت سخت افزاری موفق به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سقوط آن شدند و از این مسئله به عنوان یک پیروزی بزرگ برای غرب، دموکراسی و مردم روسیه نام می‌برند.

به عنوان مثال پانارین خاطر نشان می‌سازد که اولین جنگ اطلاعاتی از سال ۱۹۴۳ تا سال ۱۹۹۱ صورت گرفت و هدف اصلی آن نابودی اتحاد جماهیر شوروی بود. (Panarin, 2012a) این در حالی است که آندری فورسوف^۱ از جمله جامعه شناسان و نخبگان دانشگاه روسی معتقد است که جنگ اطلاعات علیه روسیه از ابتدای قرن نوزدهم توسط انگلیس برای حمایت نرم از جنگ کریمه و سپس در سالهای دهه ۹۰ برای فروپاشی و سقوط اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده است. (Fursov, 2012) تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و پیروزی غربی ها در جنگ اطلاعات بر علیه شوروی از جمله ویژگی های بدیهی

^۱ - Andrei Fursov

است که در گفتمان آکادمیک روسیه در رابطه با جنگ اطلاعات وجود دارد. بر همین اساس مسئله فروپاشی شوروی نه به عنوان نتیجه منطقی اختلالات در سیستم ناکارآمد شوروی، بلکه به عنوان یک شکست جلوه می کند که می توانست با برنامه ریزی صحیح از این امر جلوگیری شود. فروپاشی شوروی، یک روند تجدید ارزیابی و شکل دهی دوباره به تاریخ معاصر است. بر مبنای نظر اکثر نظریه پردازان اتحاد جماهیر شوروی، عامل اصلی که سقوط شوروی را تسریع کرد، انتخاب میخائیل گورباچف به عنوان دبیر کل حزب کمونیست در سال ۱۹۸۵ بود. الکساندر زینویف^۱ در رمان جامعه شناختی خود با عنوان "تجربه روسی" انتخاب گورباچف را برنامه ریزی آژانسهای اطلاعاتی غربی می دانست. (Zinovyev, 1995: 385-386) در چشم انداز زینویف، متخصصان غربی امور روسیه، اوضاع کمیته مرکزی حزب کمونیست را با دقت بررسی کرده بودند و به این نتیجه رسیدند که گورباچف بهترین کاندیدایی است که می تواند متناسب با منافع غربی ها عمل کند. در نتیجه وی بیان می کند که انتخاب گورباچف نتیجه تلاش دولتهای غربی بوده است. برای تهیه یک نسخه پشتیبان از داستان زینویف در مورد انتخاب گورباچف به عنوان نمونه جنگ اطلاعات، رستورگوئو، از نظریه "پروتکل بزرگان صهیون"^۲ برای تشکیل کشور یهود و محافظت از یهودیان برای تسلط جهانی، استفاده می کند. (Mcconnachie and Tudge, 2008: 109-113) وی با مولفه بندی و تشخیص الگوریتم های هدفمند دارای تاثیر و نفوذ از طریق اطلاعات جذاب، نقش گورباچف را در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی توضیح می دهد (Rastorguyev, 1999: 96)

^۱ - Aleksandr Zinoyev

^۲ - The Protocols of the Elders of Zion

پارادین از جمله دیگر نظریه پردازان دانشگاهی است که با استفاده از نظریه تئوری توطئه با عنوان طرح دالس^۱، استدلال می کند که ایالات متحده استراتژی جنگ اطلاعاتی طولانی مدتی علیه اتحاد جماهیر شوروی داشته است و این جنگ در دوره روسیه نیز ادامه پیدا کرده است. (Panarin, 2006: 186) آلن دالس یک دیپلمات، حقوقدان و مدیر سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده^۲ بین سالهای ۱۹۵۳-۱۹۶۱ بود. او نقش منفورترین شخصیت را در چندین تئوری توطئه روسی بازی می کند. بر مبنای نظر پانارین استراتژی اصلی ایالات متحده برای فروپاشی شوروی، خراب کردن ارزشهای اخلاقی و ترویج خشونت گرای، بی رحمی روانی و خیانت به مفهوم وطن ایدئولوژیک محور شوروی بود. (Panarin, 2006: 186) وی در این زمینه به اسناد اطلاعاتی مختلفی رجوع می کند که در سالهای اخیر از آرشیوهای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا سیا به بیرون درز کرده است. بر همین مبنا در محیط آکادمیک روسیه از این اسناد به عنوان اسناد جنگ اطلاعات علیه روسیه نام برده می شود. (Panarin, 2010: 111) هر چند باید ذکر کرد که اصولاً کلیت ساختار این سند، منافع ایالات متحده را در صورت شکست کمونیست ها و روی کار آمدن حکومت جدیدی در روسیه، اعلام می کند. این سند بر مبنای یک تحلیل کلی چهار متغیره از شوروی آن زمان است و روسها معتقدند این چهار محور ابزارهای اصلی تبلیغاتی ایالات متحده برای فروپاشی شوروی و در حال حاضر روسیه امروزی است. این چهار محور عبارتند از:

الف- کشور هدف (شوروی- روسیه) از قدرت نظامی قوی برخوردار نیست

ب- از نظر اقتصادی به میزان قابل توجهی به جهان خارج وابسته است.

¹ - Dulles plan

² - Central Intelligence Agency(CIA)

ج- در مورد اقلیتهای مهم، توان مدیریت و جذب ندارد و اقتداری در بین آنها ندارد.
د- چیزی شبیه پرده آهنین را در میان شهروندان و دنیای خارج تحمیل می کند. این به معنای جلوگیری از ارتباطات ساختاری با دنیای خارج است. (Ezold and Gaddis, 1978: 197)

این مولفه های اطلاعاتی از این نظر اندیشمندان روسی پشتیبانی می کند که نوسازی روسیه معاصر و تبدیل شدن به یک ابر قدرت برای غرب کاملاً نامطلوب است، به این دلیل که غرب یک پایگاه اساسی منابع معدنی و زیر زمینی را از دست خواهد داد و متعاقباً توان مدیریت و کنترل سیاسی روسیه از دست می رود. بر همین اساس پیشرفت روسیه، باعث ایجاد رقیبی قدرتمند با فلسفه، دیدگاه جهانی و عقیده متفاوت در رابطه توسعه بشریت خواهد شد و این امر برای غرب به خصوص ایالات متحده نامطلوب خواهد بود.

۲- تفسیر تاریخ:

تفسیر وقایع تاریخی از جمله عوامل مهم فهم جنگ اطلاعات علیه روسیه و کشورهای دیگر است. بر مبنای نظر برخی از اندیشمندان روسی، سنگ بنای جنگ اطلاعات علیه روسیه، تحریف تاریخ شوروی است. (Tkachenko, 2011: 36) بر همین مبنای، غرب می خواهد با روسیه همان کاری را بکند که با آلمان پس از سال ۱۹۴۵ انجام داد. تحمیل حس مقصر بودن روسیه در زمینه توسعه استبداد و کمونیسم به گسترش این ایده که تمامی تاریخ روسیه غم انگیز و خشونت بار بوده است. (Fursov, 2012)

بر همین اساس تحریف تاریخ شوروی بر مبنای چندین ایده استوار است. این ایده ها عبارتند از:

الف- انقلاب اکتبر یک اشتباه خونین در تاریخ بشریت است.

ب- خشونت قانونی به عنوان ویژگی بارز ملت‌های تحت سلطه شوروی و متحدان امروز

کشور روسیه در عرصه بین‌المللی

پ- پیروزی شوروی در برابر فاشیسم مولفه ای منفی است که باید پنهان شود.

ج- آثار مارکس، لنین و استالین، به صورت طبیعی و ریشه ای، غیر انسانی هستند.

د- برابری و مقایسه رهبران شوروی و فاشیست‌ها. (Tkachenko, 2011: 36-42)

اندیشمندان روسیه در مورد کیفیت و کمیت مولفه های فوق الذکر نظرات متفاوتی دارند، اما در رابطه با جنگ اطلاعات علیه کشورشان معمولاً موضع فعال می‌گیرند و خواستار مقاومت فوق‌العاده می‌شوند. بر همین مبنا فورسوو بیان می‌کند که روسیه به یک انتقام اطلاعات محور با شیوه های جدید نیاز دارد. (Fursov, 2012) این در حالی است که برخی از محققان در محیط دانشگاهی روسیه به این امر اذعان می‌کنند که روسیه باید در برابر جنگ اطلاعاتی غرب از طریق محافظت از سمبولهای روسی مقاومت کند. از جمله این سمبولها در نگاه اندیشمندان روسی عظمت روسیه تزاری، امپراطوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی است. (Tkachenko, 2011: 43) برخی از اندیشمندان روسی تاکید کرده اند که دوره دیکتاتوری استالین، موفق ترین دوره مقاومت در برابر جنگ اطلاعاتی غرب بر علیه روسیه بوده است. بر همین مبنا اتحاد جماهیر شوروی بین سالهای ۱۹۳۰-۱۹۵۰، چشم انداز ویژه خود را نسبت به آینده داشت و این چشم انداز بر مبنای مدل توسعه ای شوروی و جهان بینی خاص آن بر مبنای وطن پرستی ایدئولوژیک از نوع شوروی بود. برخی از مهمترین نمونه های مقاومت موفق در برابر جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه از دیدگاه اندیشمندان روسی عبارتند از: پیروزی در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، بهبود سریع پس از جنگ، فرستادن اولین فضانورد به فضا در سال ۱۹۶۱ و محافظت

از حوزه تولیدات کارگری در برابر سیستم سرمایه داری. (Fursoy, 2012) بر همین اساس امروزه به هیچ عنوان جای تعجب نیست که تصویر استالین هنوز هم به عنوان یکی از منابع نمادین قدرتمند در روسیه، کارکردی اساسی در ساخت بندی هویت ملی این کشور دارد. طبق یک مطالعه جامعه شناختی از زمان پایان اتحاد جماهیر شوروی، حمایت از استالین در روسیه افزایش یافته است. طبق نظر سنجی های انجام شده توسط موسسه کارنگی در سال ۲۰۱۲، بیش از ۴۰ درصد از جمعیت روسیه، معتقد هستند که استالین یک رهبر خردمند بود که اتحاد جماهیر شوروی را به قدرت و سعادت رساند. ۶۰ درصد نیز با این گفته موافق هستند که با وجود همه اشتباهات و تقصیرات استالین، مهمترین نکته این است که روسیه تحت رهبری وی، در یک جنگ بزرگ میهنی (جنگ جهانی دوم) پیروز شده است. (De waal et al, 2013) بر همین اساس، این اندیشه دانشگاهیان روسی مبنی بر اینکه دوره حکومت استالین در تاریخ شوروی از نظر مقاومت در برابر جنگ اطلاعاتی غربی موفق ترین بوده است، تا حد زیادی با احساسات بخش بزرگی از جامعه روسیه مطابقت دارد. بر همین اساس گسترش محبوبیت روزافزون استالین در روسیه بیش تر از اینکه در حمایت از خشونت و نقش استبدادی وی در دوره اتحاد جماهیر شوروی باشد، مبتنی بر احیای نوعی عزت نفس ملی در دوره روسیه کنونی است. (Berzina, 2018: 168) عزت نفسی که باعث افزایش همدلی و ساخت بندی محکم تر هویت ملی روسیه می شود. در متن جنگ اطلاعات امروز، استراتژی اساسی اندیشمندان حوزه مطالعات آکادمیک روسی ساخت بندی و گسترش روایت های تاریخی خودشان از رویدادهای مجادله آمیز تاریخ گذشته است. این مسئله به منظور تقویت و دفاع از روایت های تاریخی مطلوب روسیه و به نفع منافع کلان آن است و در بلند مدت می تواند به افزایش ابعاد مثبت

تصویر روسیه کمک کند. به عبارت دیگر مرجع وقایع تاریخی در آثار مورخان و اندیشمندان مطالعات علوم انسانی و اجتماعی روسیه، ایدئولوژیک است و مسائل علمی و تاریخی نقش کمتری در آن دارند. تفسیر این مسئله را می توان با توضیح نظریه "حقیقت در بستر ارتباطات استراتژیک"^۱ کانس لرد^۲ تفسیر کرد. او دو نوع از حقیقت را از هم متمایز می کند.

الف - حقیقت تکه تکه شده که نشان دهنده سطح بالای تجزیه تحلیل است و زمینه های اساسی را برای درک معنای واقعیتهای تجربی فراهم می کند.

ب - حقیقت برتر^۳ که قلمرو ایده های بزرگ و حقایق بنیادین در رابطه با انسان، طبیعت، شکل درست دولت و.. است و این نوع از حقایق در زمانهای مختلف و گاهی در قالب ایدئولوژی، واقعی تر از حقایق تجربی محض هستند. (Lord, 2011: 92) لحن و شیوه ارائه تاریخ در گفتمان ادبی - تاریخی دانشگاهی روسیه درباره جنگ اطلاعات تا حد زیادی به حقایق برتر شباهت دارد که توسط یک روایت برتر خداگونه تعریف شده است. تاریخ در این مورد یک رویکرد و چشم انداز علمی نسبت به وقایع گذشته نیست بلکه ابزاری برای ساخت بندی و مستحکم شدن هویت و عزت نفس ملی است.

۳ - روسیه به عنوان سرزمین منابع و مواد خام اولیه:

موضوع دیگری که به ساخت روایت آکادمیک و دانشگاهی جنگ اطلاعات بر علیه روسیه مربوطه می شود، تعریف غرب به عنوان یک متجاوز بالقوه و به دنبال منابع طبیعی و غنی سایر کشورها است. در این راستا ایده های روسی به خوبی به با تمایلات گسترده ای از

1 - Truth in the context of strategic communication

2 - Carnes Lord

3 - Higher truth

روندهای ضد آمریکایی همراه شده اند. یکی از بارزترین این موارد حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود که حتی انتقاد روشنفکران و فعالان غربی را نیز برانگیخت. ادعای اساسی در آن زمان در میان اکثر نظریه پردازان این بود که دلیل اصلی حمله به عراق، بر عکس نظر دولت ایالات متحده نه ادعای وجود سلاح های کشتار جمعی، بلکه منابع نفتی عراق بوده است. تکاچنکو بیان می کند که ۵۰ درصد از منابع معدنی جهان در روسیه است و بر همین مبنا این کشور یک هدف طمع برانگیز برای کشورهای غربی و همچنین کشورهای قدرتمند شرق هستند. تمرکز اصلی بر کشورهای غربی به عنوان متجاوزین بالقوه است. (Tkachenko, 2011: 47) وی برای تایید نظر خود، به گفته های مادلین آلبرایت^۱ وزیر امور خارجه پیشین دولت آمریکا ارجاع می دهد. آلبرایت زمانی گفته بود که "منابع طبیعی عظیم سبیری به ناحق و غیر منصفانه متعلق به روسیه هستند." (Tkachenko, 2011: 47) هر چند این نقل قول اغلب مبتنی بر منابع ژورنالیستی و بر مبنای پایه های غیر علمی صورت گرفته بود. یولیا لاتینینا^۲ روزنامه نگار روسی در سال ۲۰۰۷ با یک تحقیق عمیق فاش کرد که صحبت‌هایی از این دست یک نوع روش پیشرفته امنیتی است که سازمانهای امنیتی مختلف از طریق ورود حقایق نادرست به گفتمان عمومی تلاش می کنند تا واقعیت مسائل را کتمان کنند. (Berzina, 2018: 169) این نوع عبارتها به صورت ناشناس و بدون هیچ گونه مرجعی اعلام می شود و پس از بیان عمومی، با مراجعه به منابع منتسب به این عبارت و به نقل از آنها، مشروعیت می یابد. این مسئله را می توان در مورد نقل قول منسوب به آلبرایت نیز مشاهده کرد. این نوع از عبارتها به استدلال اندیشمندان ضد غربی جنگ اطلاعات و مقامات روسی برای تقویت دیدگاههای

¹ - Madeleine Albright

² - Yulia Latynina

ضد آمریکایی‌شان کمک می‌کند و از این منظر برای جریانات ضد آمریکایی بسیار مفید هستند. بر همین اساس امروزه، یکی از دلایل مهم تنش استراتژیکی و ژئوپلیتیکی روسیه و غرب در گفتمان آکادمیکی روسیه، مسئله دسترسی غرب به روسیه به عنوان بزرگترین پایگاه منابع زیر زمینی دنیا است. (Feridman, 2017: 74) این امر در روسیه به یک فکت دانشگاهی و یک امر عینی تبدیل شده است و سالانه صدها پایان نامه دانشگاهی در رشته های علوم انسانی و اجتماعی با تمرکز بر این موضوع، تکثیر می‌شود. مبنای اساسی روسها این است که هدف غرب در جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه و کشورهای نزدیک به آن، دسترسی به منابع انرژی ارزان این کشور و کنترل فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است.

۴- روس هراسی^۱:

تبلیغات ضد آمریکایی، روایت مفیدی برای به تصویر کشیدن دشمن است، در حالی که روس هراسی مجموعه ای از ایده هایی است که احساسات ضد روسی را توضیح می‌دهد. تویوچف^۲ شاعر روسی از اولین نویسندگانی است که مفهوم روس هراسی یا روسوفوبیا را تعریف و توصیف می‌کند. وی روس هراسی را نوعی نفرت موروثی یا بازایی شده مادام العمر نسبت به همه چیزهایی که به روسیه و روسی ارتباط دارند، می‌داند. (Hoskins, 2018) به عقیده فورسوو، بریتانیا آغازگر پروژه تبلیغاتی روس هراسی در سال ۱۸۲۰ بوده است و این امر به عنوان پیش‌تیبانی آگاهانه از جنگ کریمه در اوایل قرن بیستم تحلیل می‌شود. این در حالی است که پانارین دیگر اندیشمند روسیه بر این عقیده است که دالس رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکای، پروژه ژئوپلیتیکی روس هراسی را طراحی کرده است. به زعم او روس

¹ - Russophobia

² - Tyutchev

هراسی سیستمی از اقدامات سیاسی و عملیات استراتژیک (اطلاعات محور، ایدئولوژیک، مالی، فرهنگی و اقتصادی) است که هدف اساسی آن از بین بردن زیر ساختها و سیستم هویت ملی روسیه است. (Panarin, 2006: 235) بر همین مبنا تاریخ روس هراسی قریب به دو قرن قدمت دارد و به گفته اندیشمندان روسی همچنان امروزه به عنوان یک ستراتیژی هدفمند و ارتباطی در رسانه های جمعی مختلف علیه ملت روسیه به کار گرفته می شود. روس هراسی امروزه در کشورهای مختلفی که با روسیه همکاری های گسترده ای دارند، نیز رشد پیدا کرده است. مبنای این رشد مبتنی بر تفسیرهای تاریخی و ناسیونالیستی است که رسانه های بر مبنای اطلاعات آموزنده در جنگهای اطلاعاتی و رسانه ای ارائه می کنند. در اکثر این اطلاعات روسیه امروز با شوروی و امپراطوری روسیه در گذشته یکی دانسته می شود و از روسیه، زبان، فرهنگ، اقتصاد، هنر و... آن به عنوان متجاوز، مستبد و زیاده خواه یاد می شود. (Basulto, 2015: 18)

کارن خاچاروف^۱ استاد پیشین آکادمی دیپلماتیک وزارت خارجه روسیه، بیان می کند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روشهای روس هراسی جدید غربی ها جایگزین شیوه های تبلیغاتی ضد شوروی دوران جنگ سرد شده است. (Hachaturov, 2013) به عقیده خاچاروف، روس هراسی معاصر بسیار بی رحمانه تر از شیوه های تبلیغاتی ضد شوروی سابق است، زیرا هدف شیوه های قدیمی سیستم و ساختار دولتی شوروی بود و نسبت به مردم، نوعی نگاه حمایتی و دلسوزانه وجود داشت. این در حالی است که در قرن بیست و یکم، رسانه های جمعی کل جامعه روسیه را بدون تفاوت بین ملت و دولت، مردمی غیر متمدن خطاب می کنند و بر این مبنا روس هراسی را گسترش

^۱ - Karen Hachaturov

می دهند. بر همین اساس سه زمینه اصلی در ارتباط با گسترش روایت روس هراسی وجود دارد. این سه حوزه عبارتند از: الف- جنگ در چین و اوکراین، ب- جنایتهای سازمان یافته در روسیه امروزی و ج- فساد سطح بالا و ساختاری در دولت و در درون ساختارهای جامعه. سازمانهای اطلاعاتی بر مبنای انتشار و توزیع اطلاعات مختلف در رابطه با این سه حوزه در کشورهای مختلف از جمله در درون روسیه، روس هراسی را گسترش می دهند و متعاقباً هر رویداد منفی که در کشورهای متحد روسیه اتفاق می افتد را به روسیه ارتباط می دهند تا از این طریق موج ضد روسی را گسترش دهند. (Aliaksandrau, 2014: 58)

کارشناسان روسی هشدار داده اند که استراتژی غرب برای به حاشیه بردن روسیه و گسترش روس هراسی نه تنها در محیط رسانه ای و اطلاعاتی جهانی بلکه در حوزه رسانه ای و اطلاعاتی داخلی نیز گسترش یافته است. این امر نیز به وسیله رسانه های جمعی که توسط خارجی ها اداره می شوند، هدایت می شود. (Hachaturov, 2013) از نگرش غربی ها به برگزاری سالگرد پایان جنگ جهانی دوم در روسیه به عنوان نمونه ای از کمپین های ضد روسی نام برده می شود. (Panrin, 2006: 248) بر همین اساس شواهد مختلفی در رابطه با گسترش جنگ اطلاعات علیه روسیه از طریق گسترش افزایش نشریات و کارشناسان ضد روسی در رسانه های غربی و غیر غربی وجود دارد. اما بر مبنای نظر اندیشمندان روسی حمله اصلی در این جنگ اطلاعاتی و رسانه ای توسط نیروی ضد روسی طرفدار غرب از جمله دولتهای بالتیک، گرجستان، لهستان، اوکراین و.. با اظهارات تحریک آمیز و بی پروا نسبت به روسیه انجام می گیرد.

۵- انقلابهای رنگی:

نظریه جنگ اطلاعاتی _ رسانه ای نحوه افزایش آسیب پذیری طرف مقابل را توصیف می کند. ایده اساسی این نظریه این است که در سیستم مدیریت جنگ اطلاعات، عناصر داخلی مخالفی وجود دارند که از دستورات بیگانگان پیروی می کنند و استراتژیست های جنگ اطلاعات بر روی این افراد حساب ویژه ای باز می کنند. (Rastorguyev, 1999: 278)

انقلابهای موسوم به رنگی که اوایل سالهای ۲۰۰۰ در چندین کشور سابق اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد، از جمله شواهد جنگ اطلاعاتی رسانه ای است. در روسیه تحلیل اصلی این بود که در نتیجه انقلاب های رنگی، امکان خرابکاری و مدیریت سیاسی در دیگر کشورها برای ایالات متحده فراهم شده است. بر همین اساس برخی از نظریه پردازان روسی مفهوم "جنگ شبکه محور"^۱ را به عنوان مرکز استراتژی جنگ رسانه ای - اطلاعاتی در رابطه با انقلابهای رنگی نام می برند. اهداف اصلی این نوع از جنگ با استفاده از ابزارهای نرم و سخت مانند سازمانهای مردم نهاد و غیر دولتی، بنیادهای خیریه (مشهودترین آن بنیاد سوروس بود) جنبش های ناسیونالیستی و مذهبی، گروههای جنایتکار، رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی طراحی می شوند. همه این سازمانها به مانند شبکه ای با ارتباطات پیچیده با یکدیگر عمل می کنند. هر چند دولتها و ساختارهای سیاسی اغلب از پیوند بین آنها مطلع نیستند و یا تشخیص ارتباط پیچیده بین این شبکه ها و منافع ایالات متحده در جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه بسیار سخت می شود. (Prav, 2016)

در این زمینه بخشی از تحلیل های مبتنی بر واقعیت، مسائل مختلفی را در رابطه با انقلابهای رنگی مطرح می کنند که در تضاد با تحلیل های مربوط به جنگ اطلاعاتی بر

¹ -Network-Centric warfare

علیه روسیه است. (Hinkle, 2017: 54) بر همین اساس، انقلابهای رنگی موجی از سرنگونی دموکراسیهای نمایشی بود که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با کمک مسکو شکل گرفته بودند و با وقوع این انقلابها، در برخی از این کشورها، رژیمهای سیاسی دموکراتیک تری ظهور کرده اند. هر چند در تحلیل نهایی نمی تواند ابعاد داخلی، بین المللی و منطقه ای این رویدادها را در رابطه با منافع روسیه و ایالات متحده انکار کرد. (Binding, 2019: 55-56) بر مبنای دیدگاه اندیشمندان روسی انقلاب های رنگی ابزار تاثیر گذاری ایالات متحده بر امور داخلی کشورهای خارجی بوده است. این نظر در سطح رسمی دولت روسیه پیگیری می شود. به عنوان مثال سازمان مبارزه با تروریسم کشورهای مستقل^۱ زیر نظر روسیه در وب سایت خود گزارشها و مقالات علمی را در رابطه با سازمانهای غیر دولتی و استفاده ابزاری از آنها توسط غرب برای تاثیر گذاری بر سیاست داخلی کشورهای مستقل منتشر می کند. نتیجه گیری اصلی بیشتر این گزارشها این است که غرب با استفاده از مکانیزمهای تاثیر گذار از جمله به کمک کارزارهای انتخاباتی برای تغییر روندهای سیاسی در یک کشور و متعاقباً تغییر دولت به نفع منافع خود تلاش می کند. (Blank, 2017: 85) کشور اصلی استفاده کننده از این ابزار، ایالات متحده است که با کمک سازمانهای بین المللی دیگر از جمله سازمان ملل، اتحادیه اروپا، ناتو و سازمانهای غیر دولتی مختلف، بنیادها، جوامع و شبکه های آنلاین به دنبال نفوذ و تاثیر گذاری بر کشورهای دیگر است. (Nikitina, 2014: 90) به زعم محققان جنگ اطلاعات بر علیه روسیه، سازمانهای غیر دولتی، بیطرفی و استقلال خود را از دست داده اند و بر همین مبنای آنها می توانند امنیت ملی را در کشورهای مختلف از جمله در روسیه به

^۱ -Commonwealth of Independent States Anti-Terrorism Center

خطر بیندازند، (Renz, 2019: 819) چرا که این سازمانها و شبکه های سیاسی مختلف وابسته به آن می توانند هر دولتی را به نفوذ خارجی وابسته کنند و اگر نخبگان سیاسی کشور هدف، منافع قدرتهای بزرگ را در نظر نگیرند، آنها می توانند با کمک انقلابهای شبکه ای و نرم از جمله از طریق خیزش های اینترنتی، جهت سیاسی در یک کشور را تغییر دهند. (Cheravitch, 2019) پانارین با تحلیل عملیاتی ایده تبلیغات ضد پوتین به عنوان یکی از نمونه های غربی برای تاثیرگذاری بر فرآیندهای سیاسی روسیه، این امر را نمونه بارز جنگ رسانه ای غرب بر علیه روسیه می داند. وی طراحان اصلی این ایده را سرویس مخفی خارجی دولت بریتانیا و لابی انگلیسی در ایالات متحده می داند که توسط اشخاصی چون برژینسکی، آلبرایت، تالبوت، کلینتون و..... نمایندگی می شوند. (Panarin, 2012,b) ساختار این عملیات توسط دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجه ایالات متحده، دفتر امور خارجی و مشترک المنافع انگلستان، بنیادهای غیر دولتی ایالات متحده و انگلستان از طریق بازوهای اینترنتی، آکادمیک و رسانه ای طراحی و اجرا می شوند. مرکز اصلی مدیریت عملیات به عهده سرویس اطلاعات مخفی دولت بریتانیا ام آی سیکس^۱ و سیستم جمع آوری اطلاعات از طریق دسترسی به پایه های بالای ساختار قدرت در روسیه است.

۶- قدرت گیری اجماعی اتحاد اوراسیایی:

از جمله ویژگیهای مهم در رابطه با جنگ اطلاعاتی غرب بر علیه روسیه، ضدیت گفتمان اطلاعاتی غربی ها بر علیه گفتمان اوراسیا گرایان روسی در محیطهای آکادمیک است. مرکز تحول گفتمان اوراسیا گرایی در روسیه تاکید بر عظمت و شکوه روسیه و

¹ - Secret Intelligence Service (MI6)

اتحاد روسیه با کشورهای متحد روسیه و برخی از کشورهای شوروی سابق بر علیه غرب است. پارادکس ایدئولوژیکی محور ضدیت اوراسیاگرایان بر علیه غرب است.

بر مبنای سیر تاریخ تضادهای غرب و روسیه، مخالفت و چالشهای غرب و روسیه بر علیه یکدیگر، بر اساس سیستم‌ها و چشم انداز ارزشی متفاوتی است که آنها برای جهان مخاطبان خودشان ارائه می‌کنند. برخورد این دو سیستم ارزشی چشم اندازی است که ایدئولوژی توسعه اوراسیا را قابل فهم می‌کند. برای برخی از اندیشمندان دانشگاهی روسی، فرهنگ و الگوهای غربی مبتنی بر اندیشه‌های لیبرالیسم برای روسیه و ساختار فرهنگی آن مناسب نیستند، زیرا آنها مغایر با ارزشهای سنتی جامعه روسیه از جمله جمع‌گرایی، عدالت، وظیفه، ایثار، رفاه خانواده و... هستند. (Tkachenko, 2011: 84) نقطه تمرکز گفتمان ایدئولوژیکی برخی از اندیشمندان طرفدار دولت روسیه در دانشگاههای روسیه مسئله برخورد تمدنی روسها و غربی‌ها است. به زعم آنها دلیل اصلی برخورد شرق و غرب مسئله پارادکسیکال آزادی‌های فردی و لیبرالیسم در برابر منافع جامعه به عنوان یک ارگانیزم اجتماعی است. (Rastorguyev, 1999: 129) به طور سنتی غرب اهمیت بیشتری به آزادی‌های فردی می‌دهد، این در حالی است که ویژگی بارز شرق، منافع جامعه و جامعه محوری حداکثری است. بر مبنای نظر روسها، تسلط فعلی اندیشه‌های لیبرال بر جهان، بشر را به سمت انقراض سوق می‌دهد، در حالی که بر عکس تئوری‌هایی که بر برتری منافع جامعه و همچنین مبانی الهیاتی زندگی تاکید دارند، می‌توانند مشکلات جهان را حل کنند. بنیاد و اساس این اظهار نظر عقیده‌ای است که برتری منافع فردی بر منافع جمعی را اشتباه می‌داند و بر این امر اذعان می‌کند که نادیده گرفتن منافع جمعی باعث کاهش نیروی اقتصاد جمعی برای دستیابی به پیشرفت همگانی می‌شود.

(Rastorguyev, 1999: 129) بر مبنای این تفاوت ایدئولوژیکی اندیشه اوراسیا گرای و اندیشمندان اوراسیا گرا در دولت روسیه گسترش یافته است. (زارعی و قربانی، ۴۱:۱۳۹۵)

سنت گرایی ارتدوکسی در قلب ایده اوراسیا گرایی قرار دارد. پایه ایدئولوژیک توسعه اندیشه اوراسیا گرایی، دکترین موسوم به مسکو - رم سوم^۱ است. این دکترین در قرن شانزدهم توسعه یافت و روسیه را به عنوان آخرین پادشاهی جاودانه جهان ارتدکس، وارث امپراطوری های رومی و بیزانس تعریف می کند. (Panarin, 2006: 56) طبق این آموزه و بر مبنای یک نیت الهی، دولت - ملت روسیه باید برای همیشه حافظ پاکی عقاید ارتدوکس، عدالت الهی و عشق مبتنی بر خلوص نیت باشد. ایده اتحادیه اوراسیا توسعه دکترین فوق الذکر بر مبنای تمرکز بر روسیه به عنوان محافظ ایمان مقدس است. (فلاح، ۶۶:۱۳۸۹) پانارین از جمله نظریه پردازان طرفدار روسیه، قاعده اصلی برای گسترش ایدئولوژی اتحادیه اوراسیا را معنویت، قدرت عالی و برتر و کرامت ملت های عضو آن می داند. (Jensen, 2017)

الکساندر دوگین توسعه اوراسیا را یکی از مهمترین عناصر سیستم قرن بیست و یکم می داند که تحت سلطه مبارزاتی بین اوراسیا گرایان^۲ و آتلانتیست ها^۳ است. (Dugin, 2012: 349) منظور از آتلانتیسم، تمدن غربی، کشورهای عضو ناتو به رهبری ایالات متحده، محیط اطلاعاتی و رسانه ای یکپارچه ایجاد شده توسط امپراطوری های رسانه ای غربی و اقتصاد بازار آزاد به عنوان دیدگاه غالب جهان که سایر اشکال سامان بندی

¹ -Moscow, the Third Rome

² -Eurasianians

³ -Atlantists

اقتصادی را رد می کند، است. هدف آتلانتیست ها، تحمیل الگوهای غربی اقتصاد، جامعه و فرهنگ به سایر نقاط جهان و برقراری نظم جدید جهانی است که برای اقلیت ثروتمند مطلق جهان سودمند باشد. (Dugin, 2012b: 101) بر عکس اوراسیایی گرایان در برگیرنده بقیه کشورها و ملت‌های دنیا است. کشورهایی که از سیاست های توسعه طلبانه ایالات متحده و شرکای آن از جمله ناتو ناراضی هستند و هدف آنها حمایت از انواع فرهنگها، ملیتها، سنت ها، قومیت ها و مذاهب گوناگون و همچنین اشکال اقتصادی متفاوت برای حفظ عدالت اجتماعی است. (Dugin, 2012a: 349) اینها دو دیدگاه متضاد هستند که ضمن ساخت دهی به سیاست جهان، نه تنها در حوزه ایده ها بلکه به عنوان ایدئولوژی نیز بخشی از دسته بندی عرصه سیاست بین المللی را تشکیل می دهند. این ایده ها در درون روسیه نیز پهنا و ساخت بندی گسترده ای به جناح بندی های سیاسی داده اند. غربگرایان روسی به شدت با اوراسیا گرایان مخالف هستند و روسیه را بخشی از غرب می دانند و جنگ اطلاعاتی بر علیه روسیه را توهم اوراسیا گرایان و اندیشمندان طرفدار تئوری توطئه می دانند. (Berzina, 2018: 172) اما اندیشمندان ملی گرای روس، آتلانتیست گراها را عامل غرب در درون روسیه می دانند و شواهد فراوانی را نشان می دهند که غرب و در رأس آنها ایالات متحده جنگ بزرگی را بر علیه روسیه در حوزه ارتباطی دنبال می کند. یکی از پیش فرضهای غالب جنگ اطلاعاتی در غرب مبارزه با گفتمان اوراسیا گرایی به عنوان گفتمان قدرت محور و روسی کردن مناطق حائل روسیه می باشد. (Cameron, 2017) روسها معتقدند که غربی ها اوراسیا را به مثابه سرزمینهای مستعمره روسیه می بینند و بر همین اساس از طریق انتشار اخبار نادرست، سعی می کنند تا ذهن، روان و ادراک شرکای روسیه را در اتحاد اوراسیایی به بازی بگیرند.

نتیجه گیری

همانطور که مشاهده شد، با تجزیه و تحلیل بخشی از روایت آکادمیک از جنگ اطلاعاتی و رسانه ای بر علیه روسیه از دیدگاه خود روسها می توان منطق سیاست داخلی و خارجی روسیه را به طور قابل فهمی ادراک کرد. ایده های نظریه پردازان روسی درباره جنگ اطلاعات، شکاف ایدئولوژیکی عمیق و بنیادینی را بین غرب و روسیه آشکار می سازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که تناقض و تضاد آشکار ایده لیبرالیسم غربی، دموکراسی و حمایت از حقوق بشر در برابر تقویت ارزشها و سنت های ارتدوکس که منافع جامعه را بالاتر از فردگرایی قرار می دهد، گستره شکاف ایدئولوژیکی بین روسیه و غرب را افزایش داده است. عدم وجود حداقلی از مبانی ارزشی مشترک، وحدت رویه و یافتن زمینه های مشترک برای صلح را در سیاست بین الملل دشوار می کند و باعث گسترش منافع سیاسی متناقض و متعاقباً تنش سیاسی گسترده تر می شود. امروزه در محیط دانشگاهی روسیه و در بین ملی گرایان روس، خلق یک ایدئولوژی جذاب که بتواند با ایده دموکراسی و لیبرالیسم غربی موازنه برقرار کند، اهمیت حیاتی برای این کشور دارد. این امر وابسته به حفظ جایگاه، منافع و ساختار قدرت روسیه در سیستم بین المللی و حفظ تعادل و موازنه با غرب است. در حال حاضر روایت های کلان علمی در دانشگاههای روسیه در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی مبتنی بر نقد فعالیت های غرب است و در این زمینه این کشور فاقد دیدگاه و چشم اندازی جهانی و توان کافی و یک ایدئولوژی منحصر به فرد منسجم و جذاب است که توان رقابت با ایده های غربی را داشته باشند. هر چند امروزه در محیط آکادمیک روسیه شواهدی وجود دارد که این کشور در حال تعریف و طراحی یک ایدئولوژی جدید مبتنی بر یک روایت و چشم انداز نو از معادلات حاکم بر سیاست جهانی است تا از این طریق بتواند جبهه متحدان و مخالفان خود را بر مبنای یک

ساخت بندی شفاف، شناسایی کند. بر همین مبنا، برخورد روایت های اطلاعات محور و ایدئولوژیک در روابط بین الملل نقشی راهبردی در آینده معادلات دنیا بازی می کند. جبهه بندی جهانی در رابطه با موضوعات بحث برانگیز و موفقیت در پشتیبانی رسانه ای - اطلاعات محور در این جبهه بندی، می تواند موفقیت یا عدم موفقیت روایت ها را مشخص کند. در آینده ای نزدیک چرخش مکانیزی روایت های ایدئولوژیک در روابط بین الملل، جهت گیری ها و جبهه بندی های متفاوتی را در نقاط مختلف دنیا، ایجاد می کند و متعاقباً در میان مدت درگیری های ایدئولوژیکی و اطلاعات محور نیز بر مبنای این چرخشهای مکانیزی بوجود خواهند آمد. بر همین اساس یکی از مهمترین این درگیری های ایدئولوژیک که منجر به جبهه بندی آینده گفتمانها، ملتها و فرهنگهای مختلف دنیا خواهد شد، درگیری روایت محور و ایدئولوژیک بین روسیه و غرب و متحدان و پشتیبانان آنها خواهد بود.

منابع

- ۱) فلاح، رحمت الله (۱۳۸۹). «تحلیلی بر مبانی معرفتی اوراسیاگرایان نوین منطقه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۲، پیاپی ۴۲.
- ۲) زارعی هدک، معصومه؛ قربانی، ارسلان و کریمی، غلامرضا (۱۳۹۵). «اوراسیاگرایی روسیه، بنیادها، اندیشه و نتایج و تاثیر آن بر رابطه روسیه و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۰، تابستان، صص ۳۹-۶۴.
- 3) Aliksandrau, A. (2014) Brave new war: The information war between Russia and Ukraine. Index on Censorship, 43(4), 54–60.
- 4) Armistead ,Leigh (2007) Information Warfare: Separating Hype from Reality, Nebraska: Potomac Books publisher
- 5) Barbashin ,Anton and Alexander Graef (2019)Thinking foreign policy in Russia: Think tanks and grand narratives, accessed on NOV 12, Available link at: <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/thinking-foreign-policy-in-russia-think-tanks-and-grand-narratives/>
- 6) Basulto,Dominic(2015) Russophobia: How Western Media Turns Russia Into the Enemy, Dominic Basulto publisher
- 7) Berzina, Ieva (2018) the Narrative of Information Warfare against Russia in Russian Academic Discourse, Journal of Political Marketing, 17:2, 161-175,
- 8) Binding,Mitchell (2019)What Is ‘Technology Of The Color Revolutions’: Why It Occupies Such A Prominent Place In Russian Threat Perceptions, Canadian Military Journal, Volume 19, Number 4, Autumn, pp:54-59
- 9) Blank, stephen (2017) Cyber War and Information War à la Russe, in George Perkovich and Ariel E. Levite, Understanding cyber conflict ,Washington: Georgetown university press ,pp:81-98
- 10) Blank, Stephen (2013) Russian Information Warfare as Domestic Counterinsurgency, American Foreign Policy Interests, 35(1) pp: 31-44
- 11) Cameron, John (2017) Eurasianism is the New Fascism: Understanding and Confronting Russian, accessed on February 2, Stanford politics, available link at: <https://stanfordpolitics.org/2017/02/02/eurasianism-new-fascism/>
- 12) Cheravitch, Joe (2019) What Translation Troubles Can Tell Us About Russian Information Warfare, Commentary (Small Wars Journal), Accessed on October 4, Available link at: <https://www.rand.org/blog/2019/10/what-translation-troubles-can-tell-us-about-russian.html>

- 13) De Waal, T., M. Lipman, L. Gudkov, and L. Bakradze. (2013) the Stalin Puzzle: Deciphering Post-Soviet Public Opinion. Accessed on August 19, 2013. <http://carnegieendowment.org/2013/03/01/stalin-puzzle-deciphering-post-soviet-publicopinion/fmz8#>
- 14) Dugin, Alexander (2012a) Geopolitics and International Relations. London: Arktos (English translation)
- 15) Dugin, A. (2012b) The Fourth Political Theory, London: Arktos, (English translation)
- 16) Fridman, Ofer (2017) The Russian perspective on information warfare: conceptual roots and politicization in Russian academic, political, and public discourse. Defense strategic communication, Vol.2. Spring, pp: 61-86
- 17) Fursov, A. (2012) Information Warfare against Russia. Accessed on June 28, available link at : http://www.youtube.com/watch?v=0teIQp_uOvU. (with English subtitle)
- 18) Hachaturov, K. (2013) The State as Its Own Image Maker. Accessed on August 20, 2013. Available link at ; http://www.ng.ru/politics/2000-07-20/3_selfpr.html
- 19) Hinkle, Katherine T. (2017) Russia's reactions to the color revolutions, Master thesis, Monterey, California: Naval Postgraduate School
- 20) Hoskins, Andrew (2018) Information war in the Russian media ecology: the case of the Panama Papers, Continuum: Journal of Media & Cultural Studies, 32(2) 250-266
- 21) Jensen, Donald N. (2017) Is Russia losing the information war , available link at: <http://infowar.cepa.org/EN/Is-Russia-losing-the-information-war>
- 22) McConnachie, J., and R. Tudge (2008) The Rough Guide to Conspiracy Theories. London: Rough Guides.
- 23) Nikitina, Yulia (2014) The Color Revolutions and Arab Spring in Russian Official Discourse, Connections, Vol. 14, No. 1 (Winter), pp. 87-104
- 24) Panarin, Igor and L. Panarina (2003) Informative Warfare and the World, Moscow: Olma Press, Москва: Олма пресс. (English translation)
- 25) Panarin, I. (2006) Information Warfare and Geopolitics, Moscow: Москва: Поколение. (English translation)
- 26) Panarin, Igor. (2012a) Warfare of Britain and USA against Russia; Accessed on June 28, 2013. Available link at: https://www.youtube.com/watch?v=PYBC_b2Ai0c (with English subtitle)
- 27) Panarin, Igor. (2012b) Ideology of Eurasian Union, Planeti. Accessed on August 23, 2013. Available link at: <http://oko-planet.su/politik/politiklist/130536-igor-panarin-ideologiya-evraziyskogo-soyuza.html>

- 28) Prav, Vladimir (2016) Color Revolutions and Net-Centric Warfare: Geopolitical Struggles and the Functioning of Networks, Global Research, accessed on February 26, available link at:[https:// www.globalresearch.ca/color-revolutions-and-net-centric-warfare-geopolitical-struggles-and-the-functioning-of-networks/5510230](https://www.globalresearch.ca/color-revolutions-and-net-centric-warfare-geopolitical-struggles-and-the-functioning-of-networks/5510230)
- 29) Rastorguyev, S. (1999) Information Warfare. Moscow: Москва: Радио и связь. (English translation)
- 30) Renz, Bettina (2019) Russian responses to the changing character of war, International Affairs, Volume 95, Issue 4, July, Pages 817-834
- 31) Singer, P. W. and Emerson Brooking (2018) Like War: The Weaponization of Social Media, Boston: Houghton Mifflin Harcourt
- 32) Tkachenko, S. (2011) Information Warfare against Russia. Saint Petersburg: Piter (English translation)
- 33) Waltz, Edward (1998) Information Warfare: Principles and Operations, New York: Artech Print on Demand
- 34) Zinovyev, A. (1995) Russian Experiment, Moscow: Наш дом. (English translation)